

دوتا ۳۲۵	در میان گذاشتن / ۶۱
T = معلم ۱	S = معلم ۲
یک شاگرد آنچه را که از مزامیر آموخته، در میان می‌گذارد - بخش ۵	

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید . با کمک این مجموعه که در مورد در میان گذاشتن برکات رازگهان است یاد خواهید گرفت که شاگرد عیسی مسیح شوید . ما دو معلم هستیم که آنچه از رازگهان خود از هفت بخش منتخب در کتاب مزمور در عهد عتیق را یاد گرفته ایم با شما در میان خواهیم گذاشت . هفته ای یکبار جمع می‌شویم تا آنچه یاد گرفته ایم را با هم در میان بگذاریم . درحالیکه به این برنامه گوش می‌دهید، در دفترتان یادداشت بردارید یا برنامه را ضبط کنید. عنوان امروز این است : "یک شاگرد آنچه را که از مزامیر - قسمت پنجم آموخته است، در میان می‌گذارد."

(S) در میان گذاشتن برکات از فصل‌های انتخاب‌شده از مزامیر

در طول هفته گذشته، مزمورهای ۸۴، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۷ را خواندیم و در مورد آنها تعمق و دعا کردیم. اینک از یادداشتهای خود استفاده خواهیم کرد تا حقایق و درسهای مهمی از این مزامیر در میان بگذاریم و در مورد برخی از بخشهای دشوار گفتگو کنیم.

در میان گذاشتن برکات از مزمور ۹۰. "مزمور خدای ابدی را با انسان فانی مقایسه می‌کند."

این تنها مزموری است که از موسی در اختیار داریم. موسی خدای جاودانی را با انسان فانی مقایسه می‌کند. او عمیقاً تحت تاثیر فاصله غیر قابل تصور بین خدای ابدی و انسان فانی قرار گرفته است.

اول. "آیات ۱-۲ خدا را ابدی توصیف می‌کند." کوهستانها برای انسان قدیمی‌ترین مخلوقات قابل تصور بوده و شهادی هستند در مورد اینکه تاریخ بشر بر روی زمین در واقع چقدر قدمت دارد. با وجود این، قیل از آنها کوهها وجود داشته باشد، خدا حضور داشت. خدا بود پیش از آنکه زمین و هر آنچه را که بر روی آن است خلق کند. خدا، خدای ازلی است (۲-۱).

دوم. "آیات ۳-۶ انسان را فانی توصیف می‌کنند." کافی است یک کلمه از دهان خداوند خارج شود تا انسان به همان خاکی که از آن آفریده شده بازگردد (۳). پس در مقایسه با خداوند، زندگی انسان چیست؟ طولانی‌ترین زمانی که یک انسان تاکنون زیسته، تقریباً هزار سال بوده، که برای خدا به کوتاهی روزی همانند دیروز است (۴). فناپذیری و عمر کوتاه انسان با پاسی از شب که تقریباً تنها یک سوم شب (داوران ۷: ۱۹) است و حتی خود این زمان در خواب سپری می‌شود مقایسه گردیده است (۴). کوتاهی عمر بشر بر روی زمین با سیلابهای برق‌آسای طوفان که کوههای را شسته و انسان را از جا بر می‌کند قیاس شده است. با گیاهی مقایسه می‌گردد که بر سقف خانه‌ها در اسرائیل می‌روید. صبح زود گیاه با طراوت می‌شکفت، اما پیش از شامگاهان، آفتاب آن را کاملاً می‌سوزاند (۶).

سوم. "آیات ۷-۱۱ انسان را محکوم توصیف می‌کند." موسی متوجه می‌شود که بشر نه تنها بسیار فانی است، بلکه محکوم نیز هست. خشم خدا بر نوع بشر قرار دارد و انسان از غضب خدا دچار وحشت می‌گردد. انسان حتی در طول حیات کوتاه خود بر روی زمین، نمی‌تواند زندگی کند، مگر آنکه درک کند که خدا به خاطر گناه او غضبناک است و او را به دلیل گناهای مجازات خواهد کرد (۷). خدا شاهد تمامی اعمال انسان است. حتی پنهان‌ترین گناهان بشر، که هیچکس دیگری از آنها خبر ندارد، در برابر چشمان او عریان و آشکار است (۸). تمام ایام زندگی انسان بر روی زمین به سرعت یک آه سپری می‌شوند (۹). متوسط عمر بشر بر روی زمین هفتاد سال است. اگر خیلی قوی باشد، ممکن است هشتاد سال عمر کند. ولی هیچکس برای زمانی بسیار طولانی نخواهد زیست، زیرا عمرش به سرعت می‌گذرد. و تمام دوران زندگی‌اش با مشکلات و حسرتها سپری می‌شود (۱۰). موسی به مردم اسرائیل نگاه می‌کند و می‌پرسد آیا کسی هست که واقعاً شدت خشم خدا بر علیه گناه را بدانند؟ چه کسی واقعاً از کوتاهی عمر خود و غضب خدا به خاطر گناهای آگاه است؟ کیست که با هشپاری و مسئولیت زندگی کند؟ (۱۱)

چهارم. "آیات ۱۲-۱۷ دعای موسی است." موسی دعا می‌کند که خدای ابدی به انسان یاد دهد عمرش تا چه حد زودگذر است، تا با خردمندی زندگی کند. دعا می‌کند که خدا انسانها را نسبت به وضعیت واقعی زندگی‌شان که گذارا و محکوم است هشپار سازد، تا خدا و اراده او را جویا شوند و با انجام آنچه خدا را خشنود می‌سازد زندگی حکیمانه‌ای داشته باشند. حکمت واقعی، هشپار بودن نسبت به کوتاهی عمر بر روی زمین و جستجوی آگاهانه و مداوم برای شناخت خدا و اراده اوست (۱۲). او دعا می‌کند که در هر چیزی که آنها در طول عمر کوتاه خود بر روی زمین انجام می‌دهند، برکت خدا را دریافت نماید، زیرا بدون برکت خدا هرگز چیزی تثبیت نخواهد شد (۱۳-۱۷). من نیز می‌دانم که زندگی‌ام کوتاه است و نیاز دارم هشپارانه جستجو کنم تا خردمند شوم.

(T) در میان گذاشتن برکات از مزمور ۹۱. "سرودی پرستشی در مورد حفاظت خداوند."

اول. "آیات ۱-۸ حفاظت توسط دستهای نادیدنی خدا را توصیف می‌کند." حفاظت خدا برای هر کسی که بر او توکل کند در دسترس است. در دوره داوران، اقوام بیگانه مرتباً به اسرائیل حمله می‌کردند و غلاتشان را غارت و خانه‌هایشان را ویران می‌ساختند. وقتی این چپاولگران می‌آمدند، اسرائیلیها به کوهستان عقب‌نشینی می‌کردند تا در غارها یا شکاف صخره‌های مرتفع پناه گیرند (داوران ۶: ۲). به همین ترتیب، وقتی که مردمی که به خدا توکل داشتند دشمنان خود را در حال آمدن می‌دیدند، به سوی خدا به عنوان پناهگاه خود عقب‌نشینی می‌کردند. در این دنیای پلید، خداوند تنها کسی است که می‌تواند

محافظت نماید. همانند درخت تنومندی که سایه خنکی را بر سر مسافر خسته می‌گستراند، خداوند، سایه محافظت خود را بر سر هر کسی که به او پناه برد خواهد گسترد (۱). مردمی که خداوند را حافظ خود قرار می‌دهند کسانی هستند که بر خود یا دیگر مردم متکی نیستند، بلکه توکلشان بر خداست (۲). خطرات زیادی انسان را احاطه کرده است. یک پرنده کوچک ممکن است آگاه نباشد که شکارچی مترصد است تا او را در آشیانه متلاشی شدنی‌اش بدام اندازد. حیوانات بزرگتر امکان دارد قادر نباشند گودال حفر شده در مسیر راه را ببینند که با شاخه‌ها پوشانده شده و ممکن است در آن سقوط کرده و کشته شوند (۳). اما خدا تمامی این خطرات را می‌بیند و با دستهای نادیدنی خود قوش را محافظت می‌کند. او آنها را با حضور خود می‌پوشاند همچنانکه یک پرنده، جوجه‌های خود را زیر بال می‌گیرد. او قوم سقوط کرده خود را با کمک وفادارانه خود پوشش می‌دهد همانطوریکه یک سرباز دوستش را که در میدان رزم افتاده با سپر خود می‌پوشاند (۴). قوم خدا، که از محافظت او بهره‌مند هستند، در طول حیات خود از هیچ چیز نمی‌هراسند، حتی با وجود آنکه با خطرات زیادی مواجه می‌گردند. نیازی نیست از بلاهای شب بترسند: حیوانات وحشی یا دزدانی که به آنها هجوم می‌آورند، یا دنیای ارواح پلید که سعی می‌کنند مردم را بترسانند. لازم نیست از تیرهای ویرانگر اشعه آفتاب بیم داشته باشند (۵). نیازی نیست از بیماری‌های بسیار از قبیل طاعون که تعداد زیادی را در یک شب هلاک می‌کند یا هر نوع مرضی که در اثر حرارت روز شدت می‌گیرد، بهراسند (۶). هر قدر هم شریر قوی، پلید و مخوف باشد، قوم خدا نباید ترسی به دل راه دهد. شریر به نزدیکی آنها نخواهد آمد، زیرا خداوند از آنان محافظت می‌کند. آنها تنها شاهد داوری خدا بر کسانی خواهند بود که بر او توکل نمی‌کنند (۷-۸).

دوم. "آیات ۹-۱۳ محافظت فرشتگان خدا را توصیف می‌کند." کسانی که خداوند را مسکن و پناهگاه خود قرار می‌دهند خواهند دید که خداوند به هیچ چیزی اجازه نمی‌دهد بر آنان گزند وارد سازد و هیچ مصیبت پایایی دامنگیرشان نمی‌شود (۹-۱۰). خداوند به فرشتگانش فرمان می‌دهد تا از آنها در تمام راهپایشان بر روی زمین محافظت کنند. فرشتگان مراقب خواهند بود که پایشان، که تنها پاپوش آن صندل است، به سنگهای فراوان جاده بر نخورد. وقتی که تصادفاً بر ماری پا بگذارند، قادر خواهند بود به جای گریختن، آن را زیر پا له بکنند. و هنگامی که در راه شیر یا افعی به آنان حمله کند، بر آن چیره خواهند شد (۱۱-۱۳).

سوم. "آیات ۱۴-۱۶ محافظتی را که خود خداوند به قوش و عده داده توصیف می‌کند." قوم خدا کسانی هستند که بدون آنکه از انسانها واهمه داشته باشند و بخاطر ایمان خود احساس شرمندگی کنند، او را دوست دارند و نامش را گرامی می‌دارند. خداوند وعده می‌دهد که آنان را از خطر نجات خواهد داد، در مقابل حملات محافظت خواهد کرد، دعایشان را اجابت خواهد نمود، در همه ناملايمات با آنان خواهد بود، در حضور مردم سرافرازشان خواهد کرد، و بر روی زمین عمر طولانی به آنان عطا خواهد فرمود. خداوند اینها را در حق کسی انجام خواهد داد که دست از اعتماد به حکمت و قدرت خود برداشته، و به حفاظت حکمت و قوت خدا تسلیم شود. کسی که به خدا بگوید، "خداوند، من قادر به انجام این کار نیستم. التماس می‌کنم تو آنرا به انجام برسان." فیض نجات‌دهنده و محافظت‌کننده خدا را تجربه خواهد کرد.

(S) **در میان گذاشتن برکات از مزمو ۹۲.** "سرودی پرستشی در باره شکفتن عدالت توسط خدا".
اول. "آیات ۱-۵ دعوتی است به ستایش کردن خداوند." نگارنده خداوند را با سرود و آلات موسیقی می‌ستاید، زیرا خود او تجربه کرده که خداوند با بدکاران و عادلان چه می‌کند. کسانی که خدا را حمد گویند نیکویی و برکت او را مشاهده خواهند کرد (۱-۳). نویسنده خداوند را به خاطر محبت، وفاداری و اعمال شگفت‌انگیزی که از او دیده، می‌ستاید. این او را به خواندن سرود و شادمانی وا می‌دارد (۴). نگارنده عمیقاً تحت تاثیر عظمت کارهای خدا در طبیعت و در طول تاریخ قرار گرفته است. وقتی که به ژرفای افکار خدا که در کلام او بیان شده می‌اندیشد، ترس بر او مستولی می‌شود. هنگامی که به میزان عمق، غنا، حکمت، رحمت، قنوسیت، عدالت، وفاداری و محبت اندیشه‌های خدا که در نقشه ابدی او برای نجات ابراز شده، فکر می‌کند، نمی‌تواند جلو حیرت خود را بگیرد (۵).

دوم. "آیات ۶-۹ توصیفی است در مورد آنچه که خدا با شخص بدکار می‌کند." اما همه انسانها نیکویی و حکمت خداوند را در فرمانروایی‌اش بر این جهان نمی‌پذیرند و تجربه نمی‌کنند. بسیاری اعمال خدا را در طبیعت و تاریخ تشخیص نمی‌دهند یا افکار خدا را در کلامش درک نمی‌کنند. آنها در زندگی چیزهای خوب را به بتها یا ارواح پلیدشان نسبت می‌دهند و چیزهای بد را به خدای زنده (۶). گرچه این سوال که چرا افراد بدکار کامیابند ولی عادلان رنج می‌برند، ممکن است همه انسانها را دچار سردرگمی کند، اما پاسخ برای قوم خدا روشن است. آنها می‌دانند که شخص بدکار ممکن است مانند علف سبز بروید، لیکن هنگامی که در نهایت نابود شوند، این فقط فلاکتشان را فزونی می‌بخشد (۷). خداوند بر جهان سلطنت می‌کند. او تا ابد متعال است. او شخص بدکار را تا زمانیکه بخواد بر روی زمین تحمل می‌کند، و سپس نابودی آنان بناگاه و حتمی فرا می‌رسد. بنابراین خداوند عدالت نیکوی خود را بر شخص بدکار مکشوف می‌نماید (۸).

سوم. "آیات ۱۰-۱۵ توصیفی است در مورد آنچه که خدا با شخص عادل می‌کند." نگارنده شخصاً نیکویی و حکومت خداوند را در اداره این جهان تجربه کرده است. عادل قوتی تازه که تاکنون ناشناخته بوده خواهد یافت، که نماد آن شاخ گاو وحشی است (ایوب ۳۹: ۹-۱۲). آنها "انگیزه و محرک" می‌یابند، که نشانه آن روغنی است که بر آنان ریخته می‌شود (۱۰). در حالی که در گذشته، عادلان نابودی هولناک دشمنانش را دیدند و شنیدند، اینک با چشم خود می‌بینند که چگونه خداوند دشمنانشان را شکست می‌دهد و با گوش خود می‌شنوند که چطور بدکاران شکست خورده از آنان می‌گریزند (۱۱). گرچه ممکن است برای افراد عادی این گونه به نظر آید که بدکاران کامیابند و بر زمین حکومت می‌کنند، اما این فقط ظاهر امر است. در واقعیت این عادلان هستند که کامیابند. خداوند شخص عادل را مانند درخت نخل یا درخت سرو لبنان می‌سازد. درخت نخل معرفت‌ترین درخت در جلگه‌ها یا حتی بیابانهاست، زیرا حتی در سخت‌ترین شرایط آفتاب سوزان، سبز می‌ماند و ریشه‌هایش را

به آبهای عمیق زیر زمین می‌رساند. درخت سرو، شناخته‌ترین درخت در کوهستانهای بلند است، زیرا حتی در کولاک و بادهای طوفانی تنه خود را رو به بالا رشد می‌دهد و شاخه‌هایش را در اطراف می‌گستراند (۱۲). راز قدرت و زندگی شکوفایشان در این است که زندگی‌شان از مشارکت با خدای زنده تغذیه می‌شود. عادلان کسانی هستند که از طریق اعتماد و احترام گذاشتن به خدا، با او در ارتباطی درست می‌مانند. آنها مطابق با مکاشفه و خواسته‌های نیکوی خدا زندگی می‌کنند. عدالت آنان در هر جایی که خدا پرستش شود اجرا و شکوفا می‌گردد (۱۳). شخص عادل حتی در سنین کهولت سرزنده و سبز باقی می‌ماند و در سراسر عمرش بر روی زمین هیچ چیز نخواهد توانست او را از ثمره آوردن باز دارد (۱۴). همیشه سرود می‌خواند و نیکویی، قدوسیت و عدالت خدا را اعلام می‌کند (۱۵). این نهایت آرزو و هدف زندگی من است که حتی در ایام پیری ثمر دهم.

(T) در میان گذاشتن برکات از مزبور ۱۰۳. "دعایی جهت ستایش احسانهای خدا". خداوند داود پادشاه را از یک بیماری سخت شفا داده بود و این سبب شد وی به تمامی احسانهای خدا ببیند. او خداوند را برای همه احسانهایش می‌ستاید و تمامی جهان را فرا می‌خواند تا خداوند را به خاطر کارهایش حمد گویند.

اول. "آیات ۱-۵ احسانهای خداوند نسبت به داود را وصف می‌کند". خداوند او را از یک بیماری مهلک شفا داد و بنابراین او را از مرگ رهانده بود. خداوند با باز گرداندن حیات به او، بر سرش تاج محبت و رحمتی گذاشته بود، که به کلاه رنگارنگی شبیه بود که مردم هنگام عید بر سر می‌گذاشتند (۴). خداوند آرزوی داود برای زیستن و باز یافتن قوت سابقش را برآورده ساخت. خداوند نیرو و سیمای جوانی‌اش را تازه کرده، درست مانند عقابی که هر سال پره‌های تازه می‌روباند (۵). در اینجا بیماری داود مکاشفه‌ای شد از خشم خدا به خاطر وجود برخی گناهان در زندگی او. پس داود متوجه می‌شود که خداوند تنها بیماری‌اش را شفا نداد، بلکه گناهش را نیز بخشید. او نفس خود را نصیحت می‌کند که خداوند را بستاند و هیچیک از احسانهای او را از یاد نبرد.

دوم. "آیات ۶-۸ احسانهای خداوند نسبت به همه مردم را توصیف می‌کند". داود به نیکوییهای خداوند نسبت به مردم اسرائیل در تاریخ گذشته و حالشان فکر می‌کند. خداوند برای انسانهای مبتلا به بیماری و گناه، آنچه را عادلانه و درست بود انجام داد (۶). در گذشته، خداوند راههای خود را به موسی و اعمال خود را به اسرائیل شناساند. زمانی خداوند وعده داد که حضور او با قوش حرکت خواهد کرد تا تمامی اقوام بدانند که قوم خدا کدام است. این طریق خدا بود (خروج ۳۳: ۱۳-۱۶). در زمان دیگری از برابر موسی عبور کرد و اعلام فرمود، "من خداوند هستم، خدای رحیم و مهربان، خدای دیر خشم و پراحسان؛ خدای امین که به هزاران نفر رحمت می‌کنم و خطا و عصیان و گناه را می‌بخشم". اینها اعمال خدا هستند (خروج ۳۴: ۶-۷؛ مزبور ۱۰۳: ۸). به دفعات، قوم اسرائیل تجربه کردند که خداوند به دلیل گناهشان نسبت به آنان خشمگین است. مطابق با اشعیا ۵۷: ۱۵-۱۷، آنها مشاهده کردند که خداوند روی خود را از آنان پنهان می‌سازد و مردم را به خاطر گناه، طمع و مداومت در طرق خودسرانه‌شان تنبیه می‌نماید. لیکن هنگامی که توبه کردند و در روح، نادم و فروتن شدند، خداوند روحشان را قوتی تازه عطا نمود (۹). خداوند قدوس است و می‌بایست گناه را مجازات کند، اما خداوند محبت نیز هست و از مجازات گناهکاران خشنود نمی‌شود. زمانی که گناهکاری توبه می‌کند، خدا فوراً او را می‌بخشد (ارمیا ۳: ۵-۱۲-۱۳). خداوند با مردم بر اساس آنچه به خاطر گناهانشان سزاوارش هستند رفتار نمی‌کند. سزای گناهشان محکومیت ابدی در دوزخ است، و با وجود این، وقتی توبه کنند، بخشوده می‌شوند. همانطور که یعقوب ۲: ۱۳ می‌فرماید، رحمت خداوند بر دآوری او غالب است (۱۰). توانایی خداوند برای بخشش فراتر از آن است که در ذهن بشر بگنجد. محبت خداوند برای کسانی که به او اعتماد کنند و حرمتش را نگاه دارند از دورترین ستارگان عالم فراتر است (۱۱). به همان اندازه که شرق از غرب دور است و هرگز به هم نمی‌رسند، گناهان آمرزیده شده از شخصی که بخشود شود، فاصله می‌گیرد (۱۲). سپس داود صحنه را از خدایی که خالق متعال است به خدا به عنوان پدر فرزندان زمینی‌اش تغییر می‌دهد. گویی خدا از عرش اعلی به زمین فرود می‌آید تا در میان فرزندان بر روی زمین باشد و آنان را با مهربانی به آغوش کشد (۱۳). همانطوری که هر پدر خوبی به ضعف فرزندان خود توجه دارد، خداوند نیز جایز الخطا بودن و فناپذیری فرزندان را مد نظر دارد. او با آنان بر اساس شخصیت و توانایی‌شان رفتار می‌کند (۱۴-۱۶). محبت خداوند نسبت به کسانی که به او توکل کنند و حرمتش را نگاه دارند ازلی و ابدی است. و عدالت خدا حتی نصیب فرزندان و نوادگان و هر کسی نیز خواهد شد که به فیض عهد خدا با اطاعت از الزامات آن عهد پاسخ مثبت دهد (۱۷-۱۸).

سوم. "آیات ۱۹-۲۲ پاسخ شایسته جهان به تمامی احسانهای خداوند را توصیف می‌کند". مکاشفه فیض و احسانهای فراوان خدا فوق‌العاده است، زیرا خداوند، پادشاه کل جهان است. تمامی عالم، تخت فرمانروایی اوست و فرشتگان بی‌شمار و خادمین توانای دیگر، او را احاطه کرده‌اند. او از آسمان بر تمامی چیزهای روی زمین حکمرانی می‌کند (۱۹). بنابراین، داود همه ساکنان آسمان و مخلوقات عالم را فرا می‌خواند که خداوند را برای نیکویی‌ها و کارهای عظیمش بستانند. من نیز می‌خواهم تمامی احسانهای خداوند را در زندگی‌ام به یاد آورم و او را حمد گویم.

(S) در میان گذاشتن برکات از مزبور ۱۰۷. "مزبور شکرگزاری شخص بازگشته از تبعید". این مزبور از چهار صحنه مختلف تشکیل شده، و نیکویی و محبت ماندگار خدا نسبت قوش را هنگام بازگشت از بابل به اسرائیل، نشان می‌دهد.

"صحنه اول مربوط به مردمی است که راه را گم کرده بودند (۴-۹)". آنها جای ثابتی برای زندگی نداشتند و بنابراین در زمین‌های بایر، در بیابان سرگردان بودند. در آنجا، در تنهایی مطلق، با خطرات زندگی بادیه‌نشینی مواجه شدند. اغلب غذایی برای خوردن و آبی برای نوشیدن نداشتند. از پای در آمده بودند و زندگی‌شان به سرعت رو به نابودی می‌رفت. در سختی خود

نزد خدای کتاب مقدس فریاد برآوردند و او آنها را از پریشانی‌شان رهایی بخشید. او راه را که خود نمی‌توانستند بیابند، به آنان نشان داد و به جایی هدایتشان کرد که در امنیت در آن ساکن شدند. خداوند در آنجا گرسنگی و تشنگی‌شان را برطرف کرد.

"صحنه دوم مربوط به کسانی است که بر علیه خدا طغیان کردند (۱۰-۱۶)". آنها کلام خدا را به عنوان قانون راهبردی خود رد کردند. توصیه خدا را خوار شمردند و از نقشه‌ای که او برای ایشان طراحی کرده بود رو برگرداند. در نتیجه، بزحمت افتادند. موفقیتی حاصل نکردند و درمانده شدند. اقوام دیگر، که پیشتر از آنها طلب یاری کرده بودند، از کمک امتناع ورزیدند. این برای اسرائیل رخ داد. بسیاری از اسرائیلی‌ها به اسارت رفتند و در بابل گرفتار زنجیرهای آهنین بردگی شدند. در گرفتاری خود، نزد خدای کتاب مقدس فریاد برآوردند و آنها را از محنت نجات داد. او زنجیرهای بردگی‌شان را گسست و آنها را از سیاهچال بابل بیرون آورد.

"صحنه سوم مربوط به کسانی است که راه را برای هر نوع گناهی باز گذارند" (۱۷-۲۲). آنها در طرق سرکشی و شرارت افراط ورزیدند. در نظر خود عاقل بودند و هر یک هر طور که دلش خواست عمل کرد (داوران ۲۱: ۲۵). آنها راه خود را کج کردند و کلام و طرُق خدا را تحریف نمودند. در نتیجه، گرفتار شدند. در نظر خدا و سایر مردم نادان شدند. و بدنهایشان آنقدر بیمار شد که نتوانستند چیزی بخورند. تقریباً به حال احتضار افتادند. در سختی خود، نزد خدای کتاب مقدس فریاد برآوردند و او آنها را از رنجشان رهانید. خدا یک کلمه بر زبان آورد و آنها از بیماری‌شان شفا یافتند و از مرگ نجات پیدا کردند.

"صحنه چهارم مربوط به کسانی است که شرایطشان آنها را به خطر انداخت" (۲۳-۳۲). آنها بازرگانانی بودند که با کشتی به جاهای مختلف در امتداد اقیانوس سفر می‌کردند. هنگامی که امواج سهمگین آنها را دستخوش تلاطم می‌کرد، از کشتی‌های کوچک خود کارهای عظیم خدا را مشاهده کردند. شجاعتشان از میان رفت و سرگشته شدند. در سختی خود، نزد خدای کتاب مقدس فریاد برآوردند و او آنها را از پریشانی‌شان بیرون آورد. او طوفان را آرام کرد تا دریا ساکت گردد. و آنها را به سوی مقصدشان راهنمایی کرد. به دلیل تمامی این تجربه‌های عالی نجات توسط خدا، وظیفه قوم خداست که او را به‌خاطر محبت پایان‌ناپذیر و کارهای بی‌نظیر نجاتش سپاس گویند. آنها باید نام خدای کتاب مقدس را در جاهایی که همه مردم با هم ملاقات می‌کنند برافرازند و در حضور رهبران او را حمد گویند.

(T) تکلیف برای هفته آینده

اول. هر روز وقت رازگهان داشته باشید و یک مزمور بخوانید. مزمورهای انتخاب شده، عبارتند از مزمورهای ۱۱۵، ۱۱۹، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۶. ملاحظات و تفکرات خود را در دفترتان یادداشت کنید. هفته‌ای یک بار با یک دوست یا در یک مشارکت خانگی یا گروه شاگردی کشفیات، آموخته‌ها و برکات خود را در میان بگذارید.

دوم. کتابهای دستور عمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار میکنم

سوم. هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه "دوره شاگردسازی از رادیو " گوش دهید.